

**• یادداشت •**  
**• فرشید یزدانی •**

## تمایز سیاست اجتماعی بارفاه اجتماعی

گاه عبارت‌های سیاست اجتماعی و رفاه اجتماعی مترادف یکدیگر به کار می‌روند ولی این عبارت‌ها از جنبه‌های مختلف بایکدیگر متفاوت هستند. عبارت سیاست اجتماعی بیشتر متناظر به پیوند برنامه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.
تأمین اجتماعی و حمایت اجتماعی زیرمجموعه‌ای از رفاه اجتماعی و ابزاری در سیاست اجتماعی محسوب می‌شود. اختلاف مهم بین تأمین اجتماعی و حمایت اجتماعی نیز در نحوه تأمین منابع مالی آنها و نیز منطق توزیع آن منابع است. واژه‌های «رفاه» و «تأمین» به‌خصوص باصفت «اجتماعی» واژه‌هایی، مولود تحولات مدرن هستند که پس از رنسانس و انقلاب صنعتی و توجه بیشتر به نسبت به نیازهای مادی انسان مطرح شدند و پیچیدگی های سازوکار اجتماعی مدرن در تفسیر آنها راه پیدا کرده است.

#### ■ رفاه اجتماعی

این عبارت که اطلاع دقیقی از اولین کاربرد آن در دست نیست زاده تحولات و مناسبات اقتصادی و اجتماعی قرن نوزدهم به بعد اروپاست. به نظر می‌رسد یکی از پایه‌های اندیشه‌ای در زمینه «رفاه اجتماعی» به‌نظریه اخلاقی دولت‌هگل بازمی‌گردد. در این نظریه هدف اخلاقی دولت حفظ امنیت و ایجاد اعتماد عمومی به کارکردهای جامعه در جهت حفظ منافع یکایک افراد جامعه است. عدالت در اینجا نقش به‌سزایی دارد. هر زمان که عدالت بعد اجتماعی به خود بگیرد احساس اساس امنیت و رفاه افراد جامعه رو به پایداری می‌رود. نظریه رفاه، ابزاری است تا با آن مفاهیم طراحی و اجرای سیاست‌های اجتماعی را بشناسیم و چگونگی تاثیر این سیاست‌ها را بر به‌روری جملگی افراد و جامعه درپاییم. این نظریه به رویکردهای جمع‌گرایانه و فردگرایانه قابل تقسیم است. طرفداران رویکرد فردگرایانه معتقدند پیشرفت‌های رفاهی فقط حاصل تبادلات خرید و فروش افراد در بازار یا از طریق مکانیزم تولید محصولاتی است که مورد نظر افراد است ولی در بازار موجود نیست. در مقال جمع‌گرایان ضرورت‌های رفاهی را یک رشته ارزش‌های اجتماعی (مانند کاهش فقر و محرومیت) می‌بینند که باید مستقل از اراده افراد ارتقا یابد. یک جنبه مهم از مباحث مرتبط با رفاه اجتماعی جنبه سیاسی آن است. دولت رفاه به نوعی بیانگر وجه کار‌بردی مباحث نظری رفاه اجتماعی به‌شمار می‌رود و به‌جرات می‌توان گفت که یکی از بارزترین عناصر در تفکر معاصر ادغام نظریه رفاه در دولت است. دو مرحله با گام مطرح در فرآیند توسعه سیاسی، که با دولت رفاه در ارتباط است، عبارت‌اند از: ۱) تحقق حق رای همگانی. ۲) ظهور احزاب سیاسی کارگری. بحث ایجاد جامعه مدنی، شهروند و حق اجتماعی ازجمله مباحث پایه‌ای مربوط به این مسئله به‌شمار می‌آید. نخستین قانون فراگیر مرتبط با این مفهوم قانون «فقرای الی‌زابت» است که در سال ۱۶۰۱ با هدف جمع‌آوری و اطلاع فقرا در شهرهای انگلستان جاری شد. اقدام بعدی که به‌لحاظ کارکرد با موضوع حمایتی پیشین متفاوت است و بیشتر نگاه پیشگیرانه را مد نظر دارد نظامی بود که توسط یسمارک در سال ۱۸۸۳ پایه‌گذاری شد. اما مهم‌ترین اقدام، اقدام بورپچی است که پس از جنگ دوم جهانی به دست ویلیا بورپچی در انگلستان صورت گرفت که اصول بهداشت، اشتغال و حمایت از کودکان مهم‌ترین مؤلفه‌های آن بودند. با توجه به دو رویکرد جمع‌گرا و فردگرایک طبقه‌بندی به همت لیوکس و ویلنکسی از تئوری‌های رفاه ارائه شده که اولی به مفهوم رسوبی یا ترمیمی است که طرفداران بازار و فردگرایان به آن قائل اند. در این رویکرد تأمین اجتماعی بعد از نابسامانی در وضعیت جامعه فعالیت را شروع می‌کند. دیدگاه دوم که مورد تأیید جمع‌گرایان است عبارت است از نظریه نهادی. در این رویکرد دولت وظیفه دارد راسا و قبل از نابسامانی در وضعیت اجتماعی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کند.

#### ■ سیاست اجتماعی

این مفهوم به بررسی و کاوش در زمینه خدمات اجتماعی می‌پردازد. بعد از وقایع اواخر قرن بیستم و ترکیب سیاست‌های اجتماعی با دموکراسی و آرای مردم، نوعی اجبار اجتماعی اتخاذ این سیاست‌ها را ضروری می‌ساخت. سیاست اجتماعی ابزار پیوند برنامه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در راستای ارتقای توانمندی جامعه از جنبه‌های مختلف (با تأکید بر سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی) به شمار می‌رود. سیاست اجتماعی مفهومی است معطوف به تدبیر و اقدام، و رفاه اجتماعی مفهومی است معطوف به وضعیت تأمین اجتماعی و حمایت اجتماعی. رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی هرکدام به‌نوعی مشتمل بر دو مفهوم تأمین اجتماعی و حمایت اجتماعی هستند که از دو جنبه چگونگی پیدایش مفهوم رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی، که حمایت و تأمین اجتماعی از پایه‌های مهم آن است، به شمار می‌روند.

کارشناس حوزه رفاه و تأمین اجتماعی

## بهترین سطح کیفیت زندگی متعلق به شهروندان کشور نروژ است

مجمع جهانی اقتصاد جدیدترین رنکینگ خود را در رابطه با کشورهایی که بهترین سطح کیفیت زندگی را در بین ۱۰۹ کشور دنیا دارند، منتشر کرد. در این رتبه‌بندی ۱۲ شاخص در نظر گرفته شده است که از آن میان، شاخص‌های اقتصادی نقش پررنگی در رتبه‌بندی نهایی داشته‌اند. نکته جالب توجه اینکه کشورهای آمریکا و انگلیس با رتبه‌های ۲۳ و ۲۱ اگرچه در جمع ۳۰ کشور از مجموع ۱۰۹ کشور بوده‌اند اما نتوانسته‌اند در ۹ کشور برتر با بالاترین امتیاز جایی به دست بیاورند.
با توجه به معیارها و رتبه‌بندی مجمع جهانی اقتصاد، ایران در بین ۷۹ کشور در حال توسعه رتبه ۲۱ را دارد. در این بین بهترین کشور جهان به لحاظ سطح کیفیت زندگی نروژ شناخته شد.

## ۸۰ | کتینه نو

پرسه‌ای در اندیشه‌ها و نظریه‌ها

نگاهی به یکی از پژوهش‌های جامعه‌شناختی که توانسته شاخص‌هایی برای سنجش رفاه اجتماعی با تأکید بر رفاه ذهنی ارائه کند

# رفاه، به مثابه یک احساس و مقوله ذهنی



جدول ۲		
ابعاد	شاخص ها	معرف ها
نیاز فیزیولوژیک	احساس سلامت	۱) ارزیابی فرد از میزان سلامتی خود (۲) مقایسه وضعیت سلامتی فرد نسبت به گذشته (۳) وجود یا عدم وجود مشکل جسمی و عاطفی در انجام فعالیت‌های روزانه
نیاز روحی روانی	عزت نفس	۱) احساس با ارزش بودن و داشتن نگرش مثبت به خود(۲) داشتن ویژگی‌های مثبت و مفید (۳) احساس شکست و ناتوانی
	ترجیحات	۱) ارزیابی فرد از میزان دستیابی به اهداف و تمایلات(۲) میزان تحقق آرزوها و امکان تأمین (۳) خواسته‌های مشروع فرد
رضایت از زندگی	استحقاق	۱) ارزیابی فرد از میزان رعایت حق و عدالت در جامعه (۲) ارزیابی فرد از میزان برخورداری مردم نسبت به خود(۳) دیدگاه فرد نسبت به طبقات فرادست
	مقایسه‌های نسبی	۱) ارزیابی فرد از برخورداری‌های خود در مقایسه با دیگران (۲) واکنش احساسی فرد نسبت به طبقات فرادست
	برابری	۱) دیدگاه فرد نسبت به میزان رعایت عدالت(۲) دیدگاه فرد نسبت به میزان عمل به قانون
احساسات هیجانی	خوشبختی و شادکامی	۱) میزان احساس خوشبختی و شادکامی (۲) احساسات فرد در خصوص توانایی‌ها و روحیات خود (۳) ارزیابی حالت‌های عاطفی فرد نسبت به دیگران
	امیدبه آینده	۱) میزان امیدواری فرد نسبت به آینده (۲) ارزیابی فرد از وضعیت فعلی در مقایسه با گذشته
	اعتماد و مقبولیت اجتماعی	۱) ارزیابی میزان اعتماد متقابل فرد با اعضای خانواده و نزدیکان (۲) بررسی طرف‌های مشورت در تصمیمات مهم زندگی (۳) ارزیابی فرد از میزان مقبولیتش در جامعه

با مصداق‌های واقعی آن در سطح اجتماع مورد سنجش قرار دهیم به ناچار نیازمند معرف‌های مختلفی هستیم که با مشاهده یا اندازه‌گیری آنها یا بهتر بگوییم با طراحی پرسش‌هایی از مردم بتوانیم مقدار عددی هرکدام از ابعاد و شاخص‌ها را به دست آوریم؛ در جدول (۲) این معرف‌ها که نتیجتاً منجر به ساخت پرسشنامه شده‌اند آمده است.

با توجه به این معرف‌ها دکتر سام آرام، پرسشنامه‌ای با ۶۶ گویه برای سنجش «رفاه اجتماعی» طراحی کرده است. این پرسشنامه به صورت آزمایشی در یک نمونه ۵۱ نفره در شهر ارومیه مورد اجرا قرار گرفت. نتیجه این آزمون آزمایشی پس از حذف ۱۸ گویه که نمی‌توانستند مفید واقع شوند مجموعاً پرسش‌نامه‌ای با ۴۸ گویه است که از اعتبار -روایی و اعتماد- پایایی لازم برخوردار است.

دیدگاه‌های گوناگون نسبت به تعریف عملیاتی آنها اقدام کرده و نهایتاً به طراحی سوالات مبادرت می‌کنند.

#### ■ شاخص‌ها و ابعادی برای سنجش احساس رفاه اجتماعی

همان‌طور که در جدول (۲) آمده است در عملیاتی کردن با همان سنجش میزان رفاه در واقعیت، چهار بعد «احساس رفاه اجتماعی» که عبارتند از «نیازهای فیزیولوژیک»، «نیازهای روحی و روانی»، «رضایت از زندگی» و «احساسات هیجانی» مورد بررسی قرار گرفته است و برای هرکدام از این ابعاد با توجه به نظریات و تعاریف گوناگون شاخص‌های مختلفی ارائه شده است. برای اینکه بتوان شاخص‌های مورد نظر را

در خصوص ابعاد و مولفه‌های رفاه اجتماعی وجود دارد، مدل مفهومی رفاه ذهنی را می‌توان به شکل زیر در نظر گرفت.(به جدول (۱) نگاه کنید.)

#### ■ ساخت مقیاس سنجش

در بخش‌های بعدی مقاله، بعد از نقد دیدگاه‌های قدیم، محقق با طرح این مسئله که می‌توان با استفاده از ترکیب متغیرهای ذهنی و عینی به مقیاسی جهت سنجش رفاه اجتماعی ناثل آمد، درصدد ساخت پرسش‌نامه‌ای معتبر برای سنجش رفاه ذهنی است. پرسش‌نامه طراحی‌شده او سه جنبه از مفهوم احساس رفاه اجتماعی را مورد سنجش قرار می‌دهد که در جدول (۱) به آن اشاره شد. وی پس از تعریف نظری معتبر مدل رفاه ذهنی در

**• حمید تاتاری •**  
**• روزنامه‌نگار •**

رفاه یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه علوم اجتماعی و اقتصاد است. اما به اندازه‌اهمیتی که در حوزه مسائل اجتماعی دارد مفاهیم مرتبط با آن، خصوصاً آنهایی که با توجه به ابعاد ذهنی مورد استفاده قرار می‌گیرند، شناخته و تحلیل نشده است. یکی از معدود تحقیق‌های مربوط به ابعاد ذهنی مقوله رفاه اجتماعی که در ایران انجام شده است تحقیق دکتر عزت‌الله سام آرام، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی است، که در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ مقاله‌ای از آن با عنوان «ساخت مقیاس برای سنجش رفاه اجتماعی با تأکید بر رفاه ذهنی» در فصلنامه «برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی» به چاپ رسید.

در ادامه به‌اختصار به واکاوی در محتوای این نوشته خواهیم پرداخت و مفاهیم آن را تشریح می‌کنیم.

دکتر عزت‌الله سام آرام در مقدمه این مقاله، یکی از مهم‌ترین دلایل پرداختن به سنجش رفاه اجتماعی با تأکید بر رفاه ذهنی و در واقع تلاش برای ساخت شاخص‌های اجتماعی از جمله «سطح زندگی»، «کیفیت زندگی» و... برای این بسط این مفهوم را، ناشی از نارسایی شاخص‌های اقتصادی در توزیع وضعیت اجتماعی و به‌ویژه سطح رفاهی مردم در دهه‌های قبل از ۱۹۶۰ می‌داند.

در این مقاله دکتر آرام قبل از هرچیز با اشاره به پیشینه تحقیقی که خود را انجام داده به چند تحقیق مشابه و نیز تلاش‌هایی که برای کمی‌سازی این متغیر اجتماعی صورت گرفته است، اشاره می‌کند که یکی از آنها تحقیق پروفسور یان درونوفسکی است کسی که با انجام محاسبات ریاضی سعی کرده بود یک شاخص کلی برای اندازه‌گیری رفاه اجتماعی تهیه کند. نکته مهم اینجاست که در مرور این تلاش‌ها مشخص می‌شود که مجموعه تالیفات پروفسور یان درونوفسکی و دیگر اندیشمندان این حوزه به عامل غیرمادی و غیرفیزیکی رفاه اجتماعی توجهی نشده است.

در متن به این نکته اذعان می‌شود که هدف از نقد شاخص‌های کمی و متغیرهای اقتصادی، کم‌اهمیت جلوه دادن این گونه متغیرها نیست، بلکه هدف از طرح این مباحث توجه بیشتر به متغیرهای ذهنی و فرهنگی مرتبط با رفاه اجتماعی است. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که نتیجه طرح این مباحث منجر به صدور بیانیه‌های اخلاقی برای افزایش رفاه اجتماعی مردم آن هم از طریق توصیه‌های فرهنگی مبتنی بر ساده زیستی و... نشود. مولف هدف اصلی تحقیق را ضمن تعریف «رفاه ذهنی» فراهم ساختن مقیاسی برای سنجش «احساس رفاه اجتماعی» بیان کرده است. وی با توجه به تغییر پارادایم در مبحث رفاه و گرایش این حوزه به روش‌های تحقیق کیفی، اذعان می‌دارد گرچه این چرخش بعد از سال ۱۹۷۰ شروع شده ولی تا به حال مؤلفه‌های فرهنگی یا ذهنی قابل توجهی در این زمینه به دست نیامده است. در متغیرهای کمی بیشتر به متغیرهایی نظیر اشتغال کامل، درآمد سرانه، امید به زندگی... توجه می‌شود، در صورتی که برای شاخص‌های کیفی رفاه اجتماعی آزادی انتخاب، آرمان‌های انتزاعی، اراده سیاسی، عزت‌نفس، ثبات امنیت را پیشنهاد می‌کنند.

این پژوهشگر با تأکید بر اهمیت نظریات هربرت مید و بلومر، بزرگان مکتب کنش‌نمادین، مدل مفهومی رفاه اجتماعی را تبیین می‌کند؛ بدین صورت که با توجه به اینکه افراد جامعه فهم خودشان از واقعیت‌ها را با توجه به تفسیر ذهنی خود به دست می‌آورند و با استفاده از همان تفسیر قضاوت‌ها و رفتار خود را سامان می‌دهند، شاخص‌های ذهنی مانند «احساس شادی»، «امید به آینده»، «احساس امنیت»، «احساس محرومیت»، «احساس شادکامی و سرزندگی» و «اعتماد اجتماعی» در کنار شاخص‌های کمی ازجمله مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که می‌توانند احساس رفاه اجتماعی را مورد سنجش قرار دهند.

دکتر آرام این مدل را به شکل یک جدول در مقاله گنجانده و معتقد است که بر مبنای تعاریفی که در نظریه‌های گوناگون

سازمان بین المللی کار اعلام کرد:

## تعداد کودکان کار در جهان کاهش یافته است

کودکان کار در دنیا مشخص شده است. بر اساس یافته‌ها، کمتر از ۱۷۱ میلیون کودکان کار در منطقه آسیا زندگی می‌کنند، ولی هنوز منطقه آسیا و اقیانوسیه بیشترین کودکان کار را در میان سایر مناطق جهان (به‌طور تقریب ۷۸میلیون و یا ۹٫۳درصد از کودکان جهان را) به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۱۳ میلیون کودک کار (۸٫۸درصد) در کشورهای آمریکای لاتین و ۹٫۲ میلیون نفر (۸٫۴درصد) در منطقه خاورمیانه زندگی می‌کنند. براساس این گزارش، بیشترین حوادث برای کودکان کار در منطقه صحرای

آفریقا اتفاق می‌افتد که ۵۹میلیون کودک در آن منطقه زندگی می‌کنند. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که بخش کشاورزی به عنوان مهم‌ترین بخش اقتصادی بستر کار برای کودکان بوده به طوری که ۹۸میلیون نفر (۵۹درصد) در این بخش، ۵۴ میلیون کودک در بخش خدمات و ۱۲ میلیون نفر در بخش صنعتی به شکل غیر رسمی کار می‌کنند. این گزارش می‌افزاید، تعداد کودکان کار دختر از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون ۴۰درصد و پسران ۲۵درصد کاهش یافته است.



یکشنبه ● ۲۸ خرداد ۱۳۹۶ ● شماره صد و هفت

A T I V E H N O